

«هدف غایی ما»

تقدیم به حزب توده ایران
و مبارزان راه صلح و
سوسیالیسم

ما به آنها گفتیم:

«جنگ تزویر شماست

زهر در کاسه خلق

رسم دیرین شماست

سرشوریده ما را که بَریدند

کمان می کردند:

که شبی گشت دراز

سبزه از خاک نمی روید باز!

و نمی دانستند:

سروسبزی که در اندیشه ماست

باز می روید و باز

رو در آئینه دلها دارد

ریشه در خاک توانا دارد.

ما به آنها گفتیم:

«خانه پر خاکستر

رسم دیرین شماست

دست روشنکر ما را که بَریدند

کمان می کردند:

سرو پر خاک افتاد!

و نمی دانستند:

ساقه سبز زمین خانه ماست

ریشه در خاک نشانیدیم،-

- و زمان سنکر ماست.

ما به آنها گفتیم:

«چور بر پیر و جوان

رسم دیرین شماست

چشم ما را بستند

گل سرب از دل ما رویاندند

به امیدی که نپاییم دراز!

و نمی دانستند:

سر ما،

دانه سبزی است که می روید باز

ریشه در خاک توانا دارد.

ما به آنها گفتیم:

«دل خلقی در خون

رسم دیرین شماست

پای ما را بستند

خاک را کاویدند!

و نمی دانستند:

ریشه انبوه شده است،

در دل خاک.

باز می روید و باز:

«روی خاکستر بیداد شما

صبح گردد آغاز»

صلح اندازه اندیشه ماست

نیک روزی هدف غایی ماست...

ح. مهرگان

انقلاب پیمانی ۱۳۵۷

از آرمان های والای آزادی، استقلال و عدالت اجتماعی تا واقعیت سیاه رژیم «ولایت فقیه»!

درس ۳

عباس معروفی: شاکیان من مهاجم به فرهنگ و فرهنگسازان و ... مروجان کتاب سوزان اند!

جریان محاکمه عباس معروفی صاحب امتیاز و سردبیر مجله گردون، که در پی شکایت مهدی نصیری (سردبیر سابق کیهان و سردبیر کنونی مجله صبح) به دادگاه احضار شده بود، با صدور حکم «۳۵ ضربه شلاق، ۶ ماه حبس و ۲ سال محرومیت از مشاغل مطبوعاتی و لغو امتیاز مجله گردون» به پایان رسید. جریان محاکمه عباس معروفی و متن دفاعیات او در دادگاه سند محکمی در محکومیت دستگاه قضایی جمهوری اسلامی و در واقع بی قانونی حاکم بر

درس ۵

سیاوش کسرائی در گذشت



سیاوش کسرائی شاعر نامدار توده ها، شاعر منظومه جاودان «آرش» و ستاره تاینک ادب و هنر مردمی کشور ما در سحرگاه ۱۹ بهمن ماه ۱۳۷۴ چشم از جهان فرو بست و میهن ما یکی از شاعران بزرگ معاصر خود را از دست داد. سیاوش کسرائی در سال ۱۳۰۴ در تهران متولد شد و تحصیلاتش را در دانشکده حقوق تهران در رشته حقوق سیاسی به پایان رساند و از آن دوران بود که به شاعری روی آورد و با نام مستعار در روزنامه ها و مجله های

گونگون شعر می گفت. اولین کتابش، «آوا»، او را به عنوان یک شاعر پیشرو مشهور کرد و سپس منظومه «آرش»، که اولین منظومه حماسی معاصر شعر پارسی بود، او را در ردیف شاعران بزرگ معاصر کشور ما قرار داد. کسرائی «آرش

ادامه در ص ۶

با سپاه ارانی در جبهه های پیکار کارگران و زحمتکشان

درس ۳

نماینده کمیته مرکزی حزب توده ایران در کنگره کمونیست های اسپانیا

درس ۵

مجاهدین نماینده اپوزیسیون مترقی ایران نیستند ۱ (گزارشی از تروژ)

درس ۶

بررسی رویدادهای ایران و جهان

درس ۲ و ۷

نامه مردم

از گان مرکزی حزب توده ایران

شماره ۴۷۳، نوبه هشتم
سال نوزدهم، ۲۴ بهمن ماه ۱۳۷۴

هشدار به نیروهای سیاسی کشور

شرکت در «انتخابات»

مشروعیت دادن به رژیم

استبدادی «ولایت فقیه»

است

با نزدیک تر شدن موعد برگزاری انتخابات، برخورد گروه های مختلف حاکم و پیرامون حاکمیت برای به انحصار کشیدن مجلس تشدید می شود و با ایجاد شکاف های جدید و بزرگ در هرم رهبری، اساس حکومت استبدادی «ولایت فقیه» می لرزد.

در میان این کشمکش ها و برخوردها، در هفته های اخیر، گروهی از نیروهای اپوزیسیون، از جمله نهضت آزادی به رهبری ابراهیم یزدی اعلام کرده است که در «انتخابات» شرکت خواهد کرد و امیدوار است که این «انتخابات» در محیط «آزادی» برگزار شود. در کنار این برخورد، این دید نیز دامن زده می شود که گویا مبارزه «انتخاباتی» کنونی مبارزه ای است سرنوشت ساز و «ملی و آزادی خواهانه» که حتماً در یک طرف آن طیف نیروهای آزادی خواه کشور از نهضت آزادی، تا روزنامه سلام، سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی و گروه شانزده نفره موسوم به «خدمتگزاران سازندگی» قرار دارند و قرار است از دل چنین مبارزه ای آزادی

ادامه در ص ۲

زنده باد آزادی، صلح، استقلال و عدالت اجتماعی، طرد باد رژیم "ولایت فقیه"!



بودجه «ویژه مقابله با عملیات آمریکا»

مجلس شورای اسلامی یک بودجه ۲۰ میلیارد دلاری تحت عنوان «ویژه مقابله با عملیات آمریکا» به تصویب رساند. طبق گفته مقامات رژیم، این بودجه برای «کشف و خنثی کردن توطئه ها و مداخلات آمریکا در مورد ایران، طرح شکایت در مجامع بین المللی و آگاه کردن افکار عمومی جهان از تجاوزات آمریکا به منشور سازمان ملل متحد» اختصاص داده شده است. علی اکبر ولایتی، وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی، که در یک کنفرانس مطبوعاتی صحبت می کرد در این باره به گزارشگر خبرگزاری چین در تهران گفت: «این فقط یک اقدام دفاعی است که از طرف مجلس صورت گرفته است و جنبه تعرضی ندارد».

پیشنهاد اختصاص بودجه مزبور اولین بار از طرف علی اکبر ناطق نوری، رییس مجلس، داده شد.

کریستوفر: «سیاست ما دارد مؤثر واقع می شود»

وارن کریستوفر، وزیر امور خارجه آمریکا، اخیراً در رابطه با لایحه تشدید تحریم اقتصادی علیه ایران با خبرنگاران گفتگو کرد. او در این گفتگو اعلام کرد که «ما فقط با سرمایه گذاری سایر کشورها در ایران مخالفت کرده ایم و موضع فعلی ما از این فراتر نمی رود». او در بخش دیگری از سخنان خود گفت: «ما به سیاست خود در قبال ایران ادامه می دهیم... ما قرائنی مشاهده می کنیم که نشان می دهد سیاست ما دارد مؤثر واقع می شود... همین شیوه [را]... قصد داریم تا وقتی که آنها [اشاره به مسؤولان

جمهوری اسلامی] سیاست های خود را تغییر ندهند، تعقیب کنیم».

سمینار تهران در مورد مسائل خلیج فارس

سمینار دوروزه «خلیج فارس و ساختار متغیر نظام بین المللی» با شرکت ۲۰۰ کارشناس سیاسی از ایران، آمریکا، انگلستان، فرانسه، روسیه، چین، ژاپن، قطر، کویت، عراق، عمان، مصر، یمن، لبنان، اردن و تونس، در تهران برگزار شد. یک محقق آمریکایی که از طرف «انستیتیو خاورمیانه» وابسته به دانشگاه کلمبیا در این کنفرانس شرکت کرده بود، در سخنانی تحت عنوان «افزایش اعتماد در خلیج فارس» از «برقراری تماس از طریق سازمان های غیردولتی، مجامع بین المللی و بازرگانان بخش خصوصی» به عنوان «اقداماتی در جهت افزایش اعتماد متقابل» میان دولت ها صحبت کرد.

رفسنجانی طی سخنرانی خود در این سمینار گفت: «ما به افزایش اعتماد در میان کشورهای این منطقه و کشورهای مناطق دیگر نیاز داریم». خبرگزاری چین در گزارش خود از این سمینار، گفته های رفسنجانی را به عنوان پاسخی به محقق آمریکایی ارزیابی کرد و آن را به معنای «ابراز امیدواری برای به وجود آوردن اعتماد بین آمریکا و ایران» دانست.

اعتراضات توده ای

در طول ماه های اخیر، اعتراضات توده ای مردم به سیاست ها و عملکردهای رژیم همچنان ادامه داشت. از جمله:

- در نیمه اول دی ماه، کودکان ۵۰ مهد کودک تهران در اعتراض به آلودگی هوا در برابر ساختمان شهرداری تهران دست به تظاهرات زدند. این تظاهرات از سوی «جمعیت زنان برای مبارزه با آلودگی محیط زیست» سازمان داده شده بود.

- در اوایل دی ماه، یکصد نفر از نامه رسانان منطقه پستی ۱۳ تهران در اعتراض به شرایط کار خود دست از کار کشیدند. این حرکت اعتراضی بیش از یک هفته ادامه داشت.

- اهالی روستای «نبلی» شهرستان گنبد در اعتراض به عدم واگذاری اراضی مصادره ای این روستا به دهقانان بی زمین، در جلوی محل شورای اسلامی کار روستای «نبلی» اجتماع کردند و خواستار رسیدگی

مقامات حکومتی به خواست های خود شدند.

روند خصوصی سازی با قوت تمام ادامه دارد

علی رغم جنبش اعتراضی گسترده توده های مردم، به ویژه زحمتکشان و کارگران، علیه سیاست «تعدیل اقتصادی» و روند «خصوصی سازی» مؤسسات دولتی، دولت رفسنجانی همچنان به اجرای دستورالعمل های بانک جهانی و صندوق بین المللی پول ادامه می دهد. از جمله نمونه های مهم این سیاست، «خصوصی سازی» معادن طبیعی در سراسر کشور است. اخیراً مهندس محلوچی، وزیر معادن و فلزات جمهوری اسلامی، اعلام کرد که تاکنون بیش از ۹۰ درصد از معادن فعال کشور به بخش خصوصی واگذار شده است. در ادامه این سیاست، مدیر کل امور صنایع و معادن سازمان برنامه و بودجه رژیم نیز اعلام کرد که چهار واحد بزرگ صنایع پتروشیمی کشور، از جمله: کرین اهواز، پتروشیمی آبادان (از قدیمی ترین و بزرگترین واحدهای پتروشیمی ایران که در زمان رژیم گذشته دولتی بود)، «لوله پولیکا»ی کرج و پتروشیمی فارابی، در طول سال جاری به بخش خصوصی واگذار خواهند شد.

در لایحه بودجه سال ۷۵ کل کشور که کلیات آن در روز ۲۶ دی ماه به تصویب مجلس رسید، «هرگونه توسعه تشکیلات و تأسیس شرکت های جدید دولتی در سال آینده ممنوع» اعلام شد و بانک مرکزی موظف گردید تا ۵۵ درصد از اعتبارات سال آینده خود را «محصراً... به بخش خصوصی و تعاونی های مردمی [!]... اختصاص دهد».

پیش بینی سقوط فاحش قدرت خرید کارمندان

محمد باقر بهرامی، رییس کمیسیون امور اداری و استخدای مجلس، در روز ۲۶ دی ماه پیش بینی کرد که «با توجه به نرخ تورم موجود در جامعه، قدرت خرید کارکنان دولت در سال آینده به نصف تقلیل پیدا خواهد کرد». او که این سخنان را در هنگام بررسی لایحه بودجه سال ۷۵ کل کشور بیان کرد، در ادامه ارزیابی های خود از بودجه سال جدید اذعان کرد که «تورم در سال آینده بیش از چهار برابر تورم پیش بینی شده در برنامه دوم توسعه خواهد بود و این مسأله نشان می دهد که تاکنون نتوانسته ایم نرخ تورم را با قانون برنامه تطبیق دهیم».

آمریکا بر تحریکات خود علیه مردم ایران و منطقه می افزاید!

طی بزرگ ترین مانور مشترک نیروهای زمینی، دریایی و هوایی آمریکا و امارات متحده عربی که در نیمه دوم دی ماه آغاز شد، یک شهر امارات متحده عربی تحت عنوان «جزیره اشغالی» توسط نیروهای شرکت کننده مورد حمله قرار گرفت و «آزاد» گردید.

همانطور که از عنوان به کار گرفته شده برای این مانور نظامی برمی آید، منظور اصلی این مانور، آماده سازی نیروهای مسلح امارات متحده عربی برای مقابله با ایران در رابطه با جزایر سه گانه مورد اختلاف دو کشور از یک سو، و اعلام آمادگی کامل دولت آمریکا برای دخالت نظامی در منطقه در جهت حمایت از دولت امارات متحده عربی علیه ایران از سوی دیگر، بوده است.

هرچند فرماندهان نظامی آمریکایی شرکت کننده در این مانور استفاده از عنوان «جزیره اشغالی» را امری «تصادفی» و بی ارتباط با اختلافات دولت های ایران و امارات متحده عربی بر سر سه جزیره خلیج فارس اعلام کرده اند، اما نمی توان لحظه ای

تردید داشت که این مانور نظامی یک تحریک آگاهانه از سوی دولت آمریکا و حکومت ارتجاعی امارات متحده به منظور افزایش فشار به مردم مبارز ایران و منطقه است. بیهوده نیست که به طور همزمان با این مانور نظامی، دو روزنامه رسمی بحرین، همسایه امارات متحده عربی، دولت جمهوری اسلامی را به دامن زدن به موج ناآرامی های سیاسی در بحرین متهم کردند. البته در این که عملکرد حکام جمهوری اسلامی در طول سال های گذشته در امور منطقه مدبرانه و به نفع مصالح ملی کشور ما نبوده است تردیدی نیست، اما «تحریرک خارجی» خواندن مبارزات مردم بحرین علیه واپسگرایان حاکم بر کشورشان، ترفند کهنه ای است که نه فقط هدف تشدید سرکوب داخلی در این کشور را دنبال می کند، بلکه با هدف توجیه برنامه جدید آمریکا برای افزایش نیروهای نظامی خود در خلیج فارس انجام می گیرد. گفته های اخیر وزیر دفاع آمریکا در این رابطه بسیار گویا است. او در سفر اخیر خود به عربستان سعودی، درباره برنامه جدید افزایش نیروهای

آمریکایی در خلیج فارس، شامل استقرار هزاران سرباز و صدها تانک و هواپیمای جنگی تازه در منطقه، با خبرنگاران صحبت کرد و هدف آمریکا از افزایش نیروهای خود در خلیج فارس را مقابله با خطر عراق و ایران برای کشورهای حاشیه خلیج فارس اعلام داشت. وزیر دفاع آمریکا در صحبت های خود گفت که هدف آمریکا از افزایش نیروی های خود، دست زدن به یک سری اقدامات «کافی پیشگیرانه» است تا نیاز به پیاده کردن برنامه های نظامی را از میان بردارد.

روشن است که هدف اصلی از این اقدامات تحریک آمیز نظامی توسط دولت آمریکا، همان طور که وزیر دفاع این کشور نیز بدون هیچ برده پوشی اعلام کرده است، تشدید فشار بر جنبش های آزادی خواهانه، استقلال طلبانه و عدالت جوینان مردم منطقه، به ویژه مردم ایران و عراق و تثبیت سلطه نیروهای ارتجاعی حاکم بر کشورهای حاشیه خلیج فارس به منظور تحمیل «نظم نوین» مورد علاقه آمریکا به منطقه است.

با سپاه ارانی در جبهه های پیکار کارگران و زحمتکشان



ارانی پسر زمین بر فراز کشور افشاند
ارانی مرد، پدرش کشتزاری گشت پر حاصل
به زیر سنگ سرد گور افکارش نشد مدفون
ارانی در سرود و در سخن بگشود راه خود
و اینک پرچم گشاید با سپاه خود

«احسان طبری»

در سال روز شهادت دکتر تقی ارانی، روز بزرگداشت شهدای حزب، به دیداری اگرچه کوتاه با این یاران وفادار مردم زحمتکش می رویم و با نام، یاد و آرمانهایشان تجدید عهد می کنیم؛ و اینک سپاه ارانی در رود خروشان رزم و زندگی ...

وقتی جلادان رضا خان، شمع زندگی دکتر تقی ارانی را در دخمه های غمور زندان قصر خاموش کردند، دبری ناپایید که اندیشه های او به درفش رزم توده های کار و زحمت بدل شد و حزب یاران و هم زندانان ارانی، استوار و سربلند پرچم افتاده را در اهتزاز درآورد و آنچنان شور و تحولی در ژرفای جامعه ما پدید آورد که اثرات آن نسل های چندی از مبارزان انقلابی و سترگ را پرورش داده است. وارثان ارانی در ۳۰ تیر بی اعتنا به چرخ های فولادین تانک ها استقامت و رزمندگی نشان دادند و در فردای کودتای ننگین ۲۸ مرداد سرود خوانان با چشمان باز جوخه های آتش شاه را استقبال کردند و حماسه های جاودانی در قامت روزنه ها، سیامک ها، وارطان ها، کیوان ها، میشری ها، انوشه ها و ... آفریدند. و باز این کاروان از حرکت باز نایستاد، حکمت جرها، تیزبازی ها، حیدری ها و باز در فردای پیروزی انقلاب و یورش مسجد ارتجاع و امپریالیسم، افضلی ها، مهرگان ها، کی منش ها، حجری ها، پرچم خونین و پراقتخار رزم ارانی، درفش کاویانی کارگران و زحمتکشان میهن مان را در اهتزاز نگاه داشتند و این قافله بزرگ پویندگاه حقیقت و نیک بختی بشر، علی رغم پنج یورش خونین، هزاران کشته و ده ها هزار سال زندان، شکنجه و آزار به حرکت دوران ساز خود به سوی آینده پیروز ادامه می دهد.

انقلاب بهمنی ۱۳۵۷

از آرمان های والای آزادی، استقلال و عدالت اجتماعی تا واقعیت سپاه رژیم «ولایت فقیه»!

شود و به کارگران (در لفظ) عالی ترین جایگاه اجتماعی از سوی رهبری جمهوری اسلامی اعطاء می گردد. در شرایط عدم اتحاد عمل نیروهای مترقی و دموکراتیک، ارتجاع فرصت یافت با سود جویی از توطئه های امپریالیسم علیه انقلاب مردم ما، یورش همه جانبه و مرحله به مرحله ای را علیه نیروهای مترقی سازماندهی و آغاز کند. در مدت دو سال (از ۱۳۶۰ تا ۱۳۶۲)، ده ها هزار نفر دستگیر و روانه شکنجه گاه ها شدند و بیدادگاه های رژیم روزانه ده ها نفر جوان و نوجوان را تنها به جرم دگراندیشی و مخالفت و مقابله با پا گیری قطعی حکومت استبدادی به دار کشیدند تا آزادی، یکی از شعارهای اساسی انقلاب بهمن ۵۷، قربانی تحکیم پایه های حکومت استبدادی بر کشور ما شود. اتفاقی نیست که در همین دوره دو ساله، رژیم قانون اصلاحات ارضی را که خود خمینی آن را امضاء کرده بود، معلق اعلام می کند و احمد توکلی، وزیر کار وقت یکی از سپاه ترین و ضد مردمی ترین قانون های کار را برای تصویب به مجلس شورای اسلامی ارائه می دهد. این نیز اتفاقی نیست که در همین دوران تماس های وسیع پنهانی با کشورهای امپریالیستی از جمله «شیطان بزرگ» آغاز می شود تا در مقابل سرکوب خونین و وحشیانه انقلاب و نیروهای معتقد به آن، ایران از آمریکا، اسرائیل و کوره جنوبی اسلحه دریافت کند تا بتواند به جنگ خانمانسوز امپریالیسم برافروخته برای تحقق آرزو های بیمارگونه سران رژیم برای برقراری «امپراطوری اسلامی» به قیمت خون صدها هزار انسان ادامه دهد. بدین ترتیب با قربانی شدن آزادی، عدالت اجتماعی و استقلال نیز به سلاخی کشیده می شوند و جای تحقق آرمان های والا و انسانی «آزادی، استقلال و عدالت اجتماعی» را رژیمی می گیرد که یکی از سپاه کار ترین رژیم های استبدادی نه تنها در کشور ما که در سراسر جهان است. رژیمی که با اتکاء به سرکوب خونین و خیانت آشکار به آرمان های انقلاب بهمن، ایران را در لبه پرتگاه بحران های ویرانگر اقتصادی - اجتماعی قرار داده است. مردم ما هیچگاه این خیانت بزرگ و جنایت دهشتناک را بر سازماندهندگان و اجراء کنندگان آن نخواهند بخشید. امروز دیگر بار میهن ما تشنه دست یابی به آزادی، استقلال و عدالت اجتماعی است و برای تحقق چنین خواست هایی راهی جز طرد رژیم «ولایت فقیه» در پیش ندارد.

۲۲ بهمن ۱۳۷۴ مصادف با هفدهمین سالگرد انقلاب ملی و مردمی کشور ماست. هفده سال پیش میلیون ها انسان ستم کشیده و عاصی از حکومت استبدادی و وابسته سلطنتی در سراسر ایران به پا خاستند و بساط دوهزار و پانصد ساله سلطنت استبدادی را از میهن ما برچیدند. انقلاب بهمن ۱۳۵۷، از نظر وسعت نیروهای شرکت کننده در آن و خواست هایی که در دستور روز خود داشت، یک انقلاب ملی و دموکراتیک بود. زحمتکشان ایران خواهان استقرار یک حکومت ملی و دموکراتیک متکی بر اراده مردم بودند و به همین سبب بود که شعار آزادی در صدر خواست های نیروهای محرکه انقلاب قرار داشت. مردم میهن ما هم چنین خواهان قطع دست های تجاوز و سلطه امپریالیسم از کشور ما، یعنی دست یابی به استقلال و نیز خواهان عدالت اجتماعی به معنی تقسیم عادلانه ثروت اجتماعی، که تا آن دوران توسط اقلیتی کوچکی به تاراج برده می شد، بودند.

همه نیروهای شرکت کننده در انقلاب، از خمینی و طرفداران او تا نیروهای چپ، با حمایت و دفاع از همین شعارها در انقلاب شرکت کردند. انقلاب بهمن مرحله سیاسی خود را با سرنگون کردن رژیم شاهنشاهی با پیروزی به پایان رساند. از فردای این پیروزی مبارزه ای سخت از یک سو برای متوقف کردن انقلاب در همین مرحله و از سوی دیگر برای تعمیق انقلاب به مرحله اجتماعی آغاز شد. نخستین دولت ائتلافی پس از انقلاب که در برگیرنده نیروهای مذهبی طرفدار خمینی و بخش هایی از نیروهای ملی بود، خیلی زود مخالفت خود را با تعمیق انقلاب اعلام کرد و گام های عملی را در راه توقف این روند برداشت. برنامه های رادیکالی مانند اصلاحات ارضی، تصویب قانون انقلابی کار، و مسأله تقسیم عادلانه ثروت در جامعه از جمله موضوعاتی بودند که قربانی این مخالفت ها شدند.

واقعیت این است که طیف های گوناگون سرمایه داری ایران، از سرمایه داری تجاری تا سرمایه داری ملی مخالف تعمیق انقلاب و تحقق شعارهای رادیکال پیشنهادی از سوی نیروهای چپ و خصوصاً حزب توده ایران بودند. نفوذ عمیق و وسیع شعارهای حزب ما در میان مردم و زحمتکشان آنچنان بود که خواست هایی مانند اجرای بند «ج» و «د» اصلاحات ارضی، تصویب قانون کار انقلابی، تأمین اجتماعی و ملی کردن بازرگانی خارجی به شعار وسیع ترین اقشار مردم بدل شد و هراس بزرگی در دل نیروهای تاریک اندیش و استبدادی ایجاد کرد. در چارچوب چنین شرایطی است که ما در سال های نخست انقلاب شاهد همراهی لفظی بخش های وسیعی از سران رژیم جمهوری اسلامی، از جمله شخص خمینی با این خواست های رادیکال هستیم. این نیروها خوب می دانستند برای تصاحب قدرت انحصاری نیاز به حمایت توده ای، خصوصاً کارگران و زحمتکشان دارند. در همین دوران است که «سند زمین» دست های پینه بسته دهقانان است که به شعار آنها بدل می

آزادی برای همه زندانیان سیاسی ایران!

مجاهدین خلق نمایندهٔ اپوزیسیون مترقی ایران نیستند (گزارشی از فرورز)

مریم رجوی (همسر مسعود رجوی، رهبر مجاهدین خلق ایران) در رأس هیأتی برای گفتگو با مسؤولین پارلمانی نروژ به این کشور مسافرت و با اعضای کمیسیون خارجی مجلس نروژ دیدار کرد و در دیدارهای خود خواهان همکاری دولت نروژ با تحریم اقتصادی دولت آمریکا شد.

در پی این دیدار از سوی اعضا و هواداران حزب تودهٔ ایران و با همکاری گروه ائتلافی چپ پارلمان نروژ (گروه اتحاد انتخاباتی سرخ) به این عمل کمیسیون خارجی به شدت اعتراض شد. نمایندگان حزب تودهٔ ایران در نروژ ضمن درج مطالب مفصلی در روزنامهٔ «نبرد طبقاتی» به تشریح سیاست‌ها و عملکرد غیردموکراتیک سازمان مجاهدین خلق و رهبری آن پرداختند و هشدار دادند که سازمان مجاهدین خلق ایران نمایندهٔ اپوزیسیون مترقی ایران نیستند و تحریم اقتصادی ایران، برخلاف ادعای دولت آمریکا و مجاهدین تنها به دشوار تر کردن شرایط زندگی میلیون‌ها زحمتکش ایرانی که خود اسیر رژیم جمهوری اسلامی هستند منجر خواهد شد.

نمایندهٔ «شورای ملی مقاومت» در نروژ، شخصی به نام «جهانگیر وزیر» در پی این افشاکاری، اقدام به انتشار «پاسخ نامه» ایی سراسر فحش و توهین کرد و مدعی شد که هرگونه انتقادی از مجاهدین تنها تکرار سخنان «ملاهای حاکم» در ایران است. در پی اعتراض نمایندگان حزب تودهٔ ایران در نروژ، گروه پارلمانی چپ ضمن نامهٔ شدیدالحنی به رئیس کمیسیون خارجی مجلس به این اقدام اعتراض کرد و از جمله یادآور شد: «ما واقف هستیم که کمیسیون خارجی مجلس و خصوصاً مسؤول کمیسیون مطلع است که شورای مقاومت همان سازمان مجاهدین است و مریم رجوی هم نمایندهٔ آنان است. نمایندگان مجاهدین خود به ما نشان داده اند که مراکز نیروهای نظامی شان با حمایت رژیم عراق در عراق است... ما نمایندگان مجلس با این «رهایی» ایران توسط سربازان صدام حسین به شدت مخالفیم و «رئیس جمهور» خواندن مریم رجوی را نیز کاملاً مغایر اصول دموکراسی می دانیم و با عملکرد سازمانی که او نماینده اش است نیز مخالفیم... می بایست در این زمینه مسؤولانه برخورد کرد و از موضع گرفتن به نفع یک گروه اکیدا پرهیز کرد...»

یعنی در حد «انتخاب» «ملتزمین» و «طرفداران ولایت فقیه» باشد.

سوالی که در این جا پیش می آید این است که گروه‌ها و اشخاصی که همگام با تبلیغات رژیم می‌کوشند این باور را در مردم ایجاد کنند که در شرایط کنونی برگزاری «انتخابات» آزاد ممکن است چه اهدافی را دنبال می‌کنند. بدیهی است که نمی‌توان پاسخ واحد و یکسانی را به این سوال داد. ما قبلاً در برخورد با مانورهای نهضت آزادی و خصوصاً رهبر جدید آن ابراهیم یزدی یادآور شده بودیم که تلاش برای زدویند با بخش‌هایی از حاکمیت (گروه رفسنجانی) بازی خطرناکی است که به ضرر نهضت آزادی و بخش‌هایی از جنبش ملی در ایران تمام خواهد شد. ما یادآور شدیم که حتی اگر رژیم اجازه دهد تنی چند از رهبران نهضت آزادی، از جمله ابراهیم یزدی به مجلس راه یابند، این عمل تنها برای مصرف تبلیغاتی درونی و بیرونی در جهت وجود آزادی در رژیم «ولایت فقیه» انجام می‌گیرد و کوچکترین تاثیری در استقرار آزادی در ایران نخواهد داشت. نباید فراموش کرد که در سال‌های ۶۰ - ۱۳۶۲ که رژیم یکی از بزرگترین پاکسازی‌ها، و کشتارهای سیاسی کشور را روزانه با صد‌ها اعدام در گوشه و کنار کشور به پیش می‌برد، نمایندگان نهضت آزادی در مجلس شورای اسلامی حضور داشتند و از حضور شان برای تظاهر به وجود آزادی استفاده می‌شد. نتیجه‌ای که بعدها مهندس بازرگان، رهبر گذشته نهضت آزادی، در عمل آشفت و در دوره‌های بعدی با عدم شرکت در «انتخابات»، فرمایشی در عمل به کار گرفت. حزب تودهٔ ایران بار دیگر تأکید می‌کند و هشدار می‌دهد که «انتخابات» آینده چیزی جز یک نمایش فرمایشی برای قبضه کردن بیشتر قدرت سیاسی در دست یک گروه دست راستی، و پاسخگرا و عمیقاً ضد مردمی و استبدادی نیست و باید با این تحریم وسیع این نمایش و مقابله آشکار با این اعمال خلاتکارانه و ضد دموکراتیک هرگونه مشروعیتی را از آن سلب کرد. نیروهایی که فکر می‌کنند می‌توانند با وارد شدن به بازی دو گروه ضد مردمی در رأس هرم حاکمیت و حمایت از یکی در مقابل دیگری (حمایت از «راست‌مدن» در مقابل «راست‌سنی» راه را برای آزادی در ایران بکشایند، آب به آسیاب رژیم «ولایت فقیه» می‌ریزند و خاک در چشم مردم می‌پاشند. ما قبلاً همگام با اکثریت نیروهای سیاسی و مترقی کشورمان اعلام کرده بودیم که سازمان دمی اقلشای «بازی انتخابات» یک وظیفهٔ ملی و انقلابی است که توده‌ای‌ها در کنار سایر نیروهای مترقی برای آن خواهند کوشید. تصور بذل و بخش آزادی از سوی یک حکومت دیکتاتوری، بدون ایجاد یک جنبش وسیع مردمی در مقابل با آن با خواست‌های مشخص سیاسی، اقتصادی و اجتماعی، نیاورختن از درس‌های تاریخ و تکرار همان آزموده‌هایی است که از هم اکنون نتایج آن روشن است. ایجاد جبههٔ وسیع ضد دیکتاتوری برای طرد رژیم استبدادی و ضد مردمی «ولایت فقیه» تنها پاسخ شایسته‌ایست که می‌توان به یورش مرتجعان کنونی داد.

هشدار به نیروهای آزادی خواه ...

به ایران بازگردانده شود و تاراجگران اجتماعی نیز به زیر کشیده شوند. و در این میان تنها کافی است مردم در روز موعود به پای صندوق‌های رای بروند و با رأی خود این روند و طبیعتاً در پی آن روی کار آمدن یک دولت «ائتلاف ملی» را تحقق بخشند؟! بز اساس این دیدگاه، تمامی دستگاه سرکوب، اختناق و حکومت استبدادی در هم پاشیده است و کشور ما در شرایط آغاز انقلاب بهمن به سر می‌برد که نیروی حاکمی وجود ندارد و در چنین خلایمی می‌توان خواست مردم را بر «کتیبه‌های» انتخاباتی «پنجمین مجلس» شورای اسلامی حک کرد.؟!

این تصورات نه تنها با شرایط کشور و ادامهٔ ترور و اختناق کنونی همخوانی ندارد، بلکه بیشتر به تصورات خوشباورانه‌ای شبیه است که در بهترین ارزیابی می‌تواند خاک به چشم مردم بپاشد و به مشابه ابزاری برای تحکیم استبداد کنونی و مشروعیت بخشیدن به آن مورد استفاده قرار گیرد. برای آنکه ادعای بی‌پشتوانه‌ای نکرده باشیم توجهٔ صاحبان چنین نظرات خصوصاً آن بخش از نیروهای مذهبی و نهضت آزادی، را به برخی واقعیات سخت و دردناک کشورمان جلب می‌کنیم. در همان هفته‌ای که ابراهیم یزدی ابراز امیدواری می‌کرد «انتخابات» در «آزادی» نسبی برگزار شود، امامی‌کاشانی، سخنگوی شورای نگهبان، که مسؤولیت تعیین صلاحیت کاندیداهای مجلس را عهده دار است، به روشنی اعلام کرد: «یکی از شرایط کاندیدا شدن برای نمایندگان مجلس شورای اسلامی داشتن التزام عملی به اسلام است و کسی که التزام عملی به اسلام ندارد معلوم است که نمی‌تواند در نظام جمهوری اسلامی نماینده مجلس شود. و یکی دیگر از شرایط نامزدی برای نمایندگی مجلس وفاداری به جمهوری اسلامی و ولایت فقیه است و کاندیدها باید وفاداری خود را اظهار کنند و نشان دهند...» (روزنامهٔ رسالت ۷ بهمن ۷۴ - تأکیدات از ماست).

و جنتی، دبیر شورای نگهبان ضمن تأکید مجدد بر «نظارت استصوابی» شورای نگهبان در انتخابات، گفت: «ابراز وفاداری به ولایت فقیه از جمله شرایط احراز صلاحیت نامزدهای انتخاباتی است...» و سپس در نماز جمعه تهران (۱۳ بهمن ۱۳۷۴) ضمن حمله به گروه شانزده نفره و طرح این موضوع که «دخالست مسؤولین اجرایی در انتخابات می‌تواند به یک سنت خطرناک تبدیل شود» گروه شانزده نفر را تهدید کرد و اعلام نمود «شورای نگهبان با دخالت مسؤولان اجرایی در انتخابات برخورد قانونی می‌کند...» و بالاخره لب مطلب اینک: «باید صلاحیت افراد در زمینهٔ وفاداری به نظام جمهوری اسلامی و ولایت فقیه و التزام عملی به اسلام به وقت بررسی شود...» (روزنامهٔ رسالت ۱۴ بهمن ۷۴ - تأکیدات از ماست). و به قول آیت الله حسین راستی، عضو جامعهٔ مدرسین قم «نمایندگانی باید انتخاب شوند که تحت امر رهبری باشند...».

به عبارت دیگر حد «آزادی» در «انتخاباتی» که در راه است و نتایج آن در شرایط کنونی نمی‌تواند متفاوت از انتخابات مجلس چهارم

نماینده کمیته مرکزی حزب توده ایران در چهاردهمین کنگره حزب کمونیست اسپانیا

عباس معروفی ...

کشور ما است. مصدق وکیل مدافع عباس معروفی ضمن غیر موجه و خلاف قانون دانستن موارد اتهام در دفاع از معروفی در دادگاه گفت: «بر اساس قانون مطبوعات فقط شاکی خصوصی که به وی اهانت شده و یا منافع او به خطر افتاده است می تواند ... شکایت کند... یکی از موارد اتهام موکل من اهانت به ولایت فقیه در مصاحبه با باقر پرهام بوده است در حالی که قرار دادن کلمه ولایت فقیه در کنار کلمه شاه جرم نیست همچنانکه قرآن در کنار کلمه «موسی» کلمه «فرعون» را مطرح کرده است و قصد آقای پرهام نیز انتقاد از قانون نویسندگان بوده است.

محمد سعید قاضی مسؤول رسیدگی به پرونده در پاسخ وکیل مدافع ضمن بافتن آسمان و ریسمان به هم و بیان لاطائلاتی فاقد هرگونه اعتبار قانونی از جمله گفت: «منظور مقایسه ولایت فقیه با شاه بوده است که در مطلب مندرج این دو در کنارهم قرار داده شده است...» (روزنامه رسالت ۳ بهمن).

وی در ادامه همین پاسخگویی ضرورت وجود شاکی خصوصی برای شکایت به هیات نظارت را رد کرد و گفت: «نیازی به شکایت هیات نظارت بر مطبوعات نیست و چون جنبه عمومی دارد هر کس می تواند شکایت کند.» وی اضافه کرد که سیاه پاسداران از جمله شاکیان امر بوده است. به گفته قاضی: «ناحیه مقاومت بسیج دانشجویی ثارالله یک ارگان رسمی و وابسته به سیاه پاسداران انقلاب اسلامی است و این ارگان آقای فیروز اصلانی را به عنوان نماینده خود با نامه رسمی به دادگاه معرفی کرده و طبقه جنبه قانونی دارد...» (همانجا).

لازم به تذکر است که مهدی نصیری سرچماق دار مطبوعاتی ارگان های سرکوبگر که اکنون نشریه هفتگی «صبح» را منتشر می کند نیز در جریان دادگاه مدیر مسؤول گردون را به هواداری از جریان های چپ مانند حزب توده ایران و فدائیان خلق ایران (اکثریت) متهم کرده بود و خواهان به تعطیل کشیدن اینگونه نشریات گردیده بود.

عباس معروفی در جریان دفاع از خود ضمن رد اتهام وابستگی به گروه های سیاسی از جمله گفت:

«به اتکای قانون از شما می خواهم به جای من شاکیان را محاکمه کنید که مهاجم به فرهنگ و فرهنگ سازان بوده اند و مرجع کتاب سوزان ... آیا شاکیان، یعنی مخالفان آزادی و قانون نماینده رهبرند که به دفاع از ایشان مدعی العموم شده اند... مگر رییس قوه قضایه نمی گوید در مطبوعات سانسور نداریم؟ پس چرا این آدم ها می گویند داریم و باید داشته باشیم؟... اعضای محترم هیات منصفه... در کجای دنیا مدیر یک مجله حق دارد به اتهام واهی مدیر یک مجله دیگر را به خاطر اندیشه اش به محاکمه بکشاند؟...»

حزب توده ایران ضمن محکوم کردن این «محاکمه» مسخره که نماد کاملی از بی قانونی حاکم بر ایران است، همه نیروهای مترقی را به مقابله با این توطئه جدید استبداد حاکم فرا می خواند. این نخستین محاکمه ای است که پس از تصویب قانون سیاه و سرکوبگرانه «تعمیرات» به دادگاه برده می شود و بدون شک آخرین آن نخواهد بود. رژیم با برگزاری پرسر و صدای این محاکمه و صدور احکامی چنین ظالمانه علیه یک دست اندرکار مطبوعاتی، در واقع به تمامی دست اندر کاران جراید هشدار می دهد که برای تنگ تر کردن حلقه سرکوب و اختناق آماده است و وسایل «قانونی» آن را که عبارتند از بنگاه «شکایت» «ثارالله» و بیدادگانهی به نام دستگاه قضایی جمهوری اسلامی نیز مهیا کرده است.



رفیق انگیتا در حال سخنرانی

دست اقلیتی معدود بیش نیست. وی ادامه داد که اتخاذ چنین سیاست هایی از سوی دولت فیلیپ گونزالس در اسپانیا، کشور را در یک وضعیت بحرانی قرار داده است. مردم ناامید شده اند و فساد دولتی تا حد تروریسم دولتی در قبال مشکل ناحیه باسک رشد کرده است.

یکی از بحث های مهم کنگره روابط حزب کمونیست اسپانیا با حزب کمونیست کاتولونیا و برخی سازمان های ایالتی و همچنین رابطه حزب با کمیسیون های کارگری CCOO بود. در رابطه با فعالیت های حزب رفیق انگیتا به وضوح اعلام کرد که حزب فعالیت خود را در جبهه چپ متحد (پو. ال) یک مبارزه محوری و استراتژیک می داند. کمونیست ها باید در چپ متحد فعالیت کنند و در واقع موتور محرک آن باشند. وی گفت ما با اعمال هژمونی از طریق کنترل قدرت مخالفیم و آن را در چارچوب متقاعد کردن دیگران به درست بودن سیاست هایمان درست می بینیم. نماینده کمیته مرکزی حزب توده ایران، در پیام خود به کنگره ضمن یادآور شدن تاریخ پرافتخار مبارزه کمونیست های اسپانیا علیه فاشیسم و امپریالیسم از مبارزه کمونیست ها و نیروهای مترقی این کشور در مقابله با سیاست های نئولیبرالی، و تهاجم جهانی امپریالیسم برای تحمیل «نظم نوین جهانی» پشتیبانی کرد.

نماینده کمیته مرکزی حزب ما در یک دیدار طولانی با رهبری حزب کمونیست اسپانیا، آنان را در جریان آخرین تحولات میهن قرار داد. نماینده حزب ما همچنین افزون بر دیدار و گفتگو با نمایندگان سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) و حزب دموکرات کردستان ایران، با هیات های نمایندگی احزاب از پرتغال، عراق، کوبا، هندوستان، فلسطین و ترکیه دیدار و پیرامون مسایل مورد علاقه طرفین و شرایط بسیار حساس منطقه تبادل نظر کرد.

چهاردهمین کنگره حزب کمونیست اسپانیا در روزهای ۱۷، ۱۸ و ۱۹ آذرماه در شهر مادرید، پایتخت اسپانیا با حضور نمایندگان ۵۲ حزب کارگری و کمونیستی و ترقی خواه از سراسر جهان برگزار شد. از ایران افزون بر هیات نمایندگی کمیته مرکزی حزب توده ایران، هیات

هایی به نمایندگی از سوی حزب دموکرات کردستان ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) نیز از جمله میهمانان خارجی کنگره بودند.

کنگره کار خود را با سخنرانی مفصل رفیق خولیوان انگیتا، دبیرکل حزب آغاز کرد. رفیق انگیتا در گزارش خود به کنگره مواضع حزب را در قبال مسأله عضویت اسپانیا در اتحادیه اروپا و روند همکاری مالی و سیاسی اروپا توضیح داد و از جمله متذکر شد اگرچه حزب حامی ساختمان اروپای واحد است، لیکن از روند کنونی که تنها منافع اقتصادی - سیاسی انحصارها و شرکت های فراملیتی را تأمین می کند، حمایت نمی کند. او اظهار داشت که حزب کمونیست اسپانیا از اتحادیه اروپایی که دموکراتیک است، متکی به پارلمان اروپا است و همه شهروندان آن برابر حقوق هستند، اروپایی که در آن استانداردهای اجتماعی واحد حاکم است، دفاع می کند.

در توضیح شرایط جهان، رفیق انگیتا، فاز کنونی را فاز «جهانی شدن» (گلوبالیزاسیون) سرمایه داری دانست. او ضمن حمله به رشد سرمایه داری، «نئولیبرال» در کشورهای سرمایه داری اروپا، اثرات مخرب این رشد را مورد توجه قرار داد و اثرات آن را در حیات اقتصادی اسپانیا، از جمله چنین توضیح داد: از دیگر مشخصه های وضع موجود بیکاری فراگیر به ویژه در میان زنان و جوانان در اسپانیا است. هم اکنون ۲۳٪ از زحمتکشان اسپانیا بیکار هستند و در عین حال ۲۹٪ جوانان کشور نیز با معضل بیکاری دست و پنجه نرم می کنند. رفیق انگیتا اظهار داشت اگرچه سرمایه داری «نئولیبرال» مدعی است که در جنگ سرد پیروز شده است، ولیکن مبارزه مردم در کشورهای گوناگون، از جمله کشورهای سرمایه داری علیه این سیاست ها همچنان ادامه دارد. او در انتها نتیجه گرفت که عملاً دموکراسی و نئولیبرالیسم با هم همخوانی ندارند و «نئولیبرالیسم» چیزی جز تمرکز قدرت در

انقلاب یا ضد انقلاب ...

را به این زهر آغشته کند. تحت رهبری گارباچف بود که کمونیسم ستیزی از بند رست و به شکلی پلانزاع به تحریف و لجن مال کردن تاریخ حزب و اتحاد شوروی پرداخت. بدین طریق، راه از نظر ایدئولوژیک برای ضدانقلاب و مرددان تحت رهبری پلتسین هموار گردید. انقلاب بورژوا - دموکراتیک فوری مورد تقدیس قرار گرفت و شعار «مرگ بر اکتبر، زنده باد فوری»، به شعار اصلی بدل شد.

سوسیال دموکراسی در شوروی جوهری بسیار ارجحی از تر همتای خود در غرب داشت. «رفرم» فقط از طریق ضدانقلاب و ریشه کن کردن سوسیالیسم؛ از طریق دامن زدن به کمونیسم ستیزی هار، و بدتر از آن، تسلیم توکرمایانه به امپریالیسم جهانی و به ویژه آمریکا؛ از طریق به دور انداختن جنبه های مترقی محدود «رفرمیست های» غربی سرمایه داری و روی آوردن به ارجحی ترین ایدئولوژی های از نوع مرکانتیلیسم میلتون فریدمن و تاچریسم می توانست تحقق یابد.

انقلاب اکتبر طی هفت دهه ریشه های عمیقی در شوروی و در سطح جهان دوانده بود. انقلاب اکتبر می بایست روسیه عقب افتاده را به تنهایی و در مقابل ویرانگری های بی وقفه سرمایه داری جهانی نجات می داد. باید با گرسنگی و حتی قحطی مقابله می کرد. اما بر دشواری های بیسابقه چیره شد و اتحاد شوروی را به یکی از دو قدرت بزرگ جهان بدل کرد. یکی از پیشرفته ترین نظام های تأمین اجتماعی را به وجود آورد؛ درهای کهنکشان ها را به روی کاوش انسانی گشود؛ روند نابودسازی استعمار امپریالیستی را رهبری کرد؛ و برای اولین بار در تاریخ به استثمار انسان از انسان پایان داد.

این ها دستاوردهای تاریخی انقلاب اکتبر هستند. اما، در مورد ضدانقلاب سرمایه داری در روسیه چه می توان گفت؟

با وجود پشتیبانی آمریکا و سرمایه داری بین المللی، ضدانقلاب سرمایه داری در عرض فقط پنج سال حاکمیت خود خرابی هایی فاجعه بارتر از تجاوز نظامی نازیسم به بار آورده است. این ضد انقلاب، یکی از دو قدرت بزرگ جهان را به سطح یک سرمایه داری ابتدایی و منحط جهان سومی تنزل داده است. و با نابود کردن موازنه مترقی نیروها در سطح جهان که اتحاد شوروی تأمین کننده آن بود، مردم جهان را در برابر تهاجم افسارگسیخته امپریالیسم جهانی و آمریکا، همانطور که نمونه های جنگ خلیج (فارس) و مهلکه خونین یوگسلاوی و یورش جمعی به سرستان نشان داد، خلع سلاح کرده است.

انقلاب سوسیالیستی به طور جدی به عقب رانده شده است. سیستم جهانی سوسیالیستی دیگر وجود ندارد. و اتحاد نیرومند جنبش های سوسیالیستی، کارگری و رهایی بخش ملی از هم پاشیده است. نیروی احزاب کمونیست در سطح جهان تقسیم شده است، و در نتیجه، تعادل نیروها که در زمان اتحاد شوروی در جهت تکامل سوسیالیسم عمل می کرد معکوس شده است. ریشه های سرمایه داری در خاک روسیه نفوذ کرده

اند و خسارات سیاسی، اخلاقی، مادی، ایدئولوژیک و فیزیکی ناشی از آنها حتی از خسارات ناشی از جنگ دوم جهانی هم فراتر رفته است.

آیا این ریشه ها زمان کافی برای تثبیت خود خواهند یافت یا انقلاب اکتبر دومین وزش خود را از سر خواهد گرفت؟ این سؤالی است که پاسخ آن امروز در شرف تکوین است. و شرایط عینی و ذهنی چنان رشد می کنند که پاسخ مثبت هر لحظه ممکن تر می شود.

اما امپریالیست های سرمست از «پیروزی» در جنگ سرد به تدریج در می یابند که پایکوبی آنها برای «مرگ» کمونیسم عجولانه بوده است. با اینکه انقلاب سوسیالیستی اکتبر دوران نقاهتی طولانی و دشوار در پیش رو دارد، ولی آهسته آهسته نیروی خود را باز می یابد. آنچه در انتخابات پارلمانی ۱۷ دسامبر اتفاق افتاد، و نتیجه انتخابات ۱۶ ژوئن ریاست جمهوری، تا حد زیادی ماهیت و سرعت این روند التیام را تعیین خواهد کرد.

اما گام بزرگ برای عبور از امکان به واقعیت هنوز برداشته نشده است. این درست است که ریشه های هفتادساله اکتبر قوی تر از ریشه های ده ساله ضدانقلاب هستند، اما، راه بازگشت راهی پیموده نشده است که عبور از آن مستلزم انتقادات و تصحیحات واقع بینانه ای است که، به قول مارکس، به طور مکرر در برابر هر انقلاب قرار می گیرند. در این رابطه، تجربیات مثبت و منفی چین سوسیالیستی می تواند آموزنده باشد.

اما یک نکته را در مورد مسیر التیام روسیه باید یادآور شد: این مسیر نباید، و نمی تواند، همان مسیر سوسیال دموکراتیک باشد که در لهستان پیموده می شود. زیرا مضمون هفت دهه سوسیالیسم در روسیه بسیار عمیق تر و پیشرفته تر از محتوای چهار دهه سوسیالیسم در لهستان بود. به علاوه، سوسیالیسم در این دو کشور در شرایط کاملاً متفاوت بنا شد. در روسیه سوسیالیسم از طریق سه انقلاب ۱۹۰۵، فوری و اکتبر تکامل یافت. در حالی که در لهستان از خارج، یعنی بر اثر پیروزی ارتش شوروی بر فاشیسم، به جامعه راه یافت.

در هیچ نقطه ای از جهان، سرمایه داری و دموکراسی بورژوازی به اندازه روسیه بی اعتبار نشده است. روسیه از درون آتش سوزنده ولی پاک کتنده خیانت سوسیال دموکراسی عبور کرده است. البته این بدان معنا نیست که در شرایط موجود، اتحاد موقت با بخش های صادق و چپ سوسیال دموکراسی نمی تواند وجود داشته باشد. اما مسیر سوسیال دموکراسی در روسیه را باید همان طور که هست دید: وصله پینه کردن همین ضدانقلاب سرمایه داری؛ و این مسیری است که باید به طور کامل از آن دوری جست!

برگرفته از: نشریه «مسائل سیاسی»، ارگان تئوریک حزب کمونیست آمریکا ژانویه ۱۹۹۶

سپاوش گسرایبی ...

کسانگیر» را در یکی از دشوارترین دوره های تاریخ معاصر ایران، پس از کودتای تنگین ۲۸ مرداد و در بحبوحه ادامه یورش گزندگان استبداد به نیروهای آزادی خواه کشور سرود و آن را به خسرو روزبه، عضو کمیته مرکزی حزب توده ایران و قهرمان ملی میهن ما هدیه کرد. کسرایبی در منظومه آرش، فریاد رسای روزبه در بیدادگاه نظامی را به نظم کشید و حماسه ای از پیکار و عشق به زندگی را تصویر کرد. او در آرش، روزبه را می دید که در برابر بیدادگران می غرد:

« منم آرش، سپاهی مرد آزاده،
به تنها تیر ترکش آزمون تلخناتن را
اینک آماده ...

دلم از مرگ بیزار است؛
که مرگ امرمن خور آدمی خوار است.
ولی آندم که زندهان روان زندگی تار است؛
ولی آندم که نیکی و بدی را گاه پیکار است؛
فرو رفتن به کام مرگ شیرین است.
همان بایسته آزادی این است ... »

کسرایبی یک شاعر متعهد مردمی بود. از همان دوران جوانی به صفوف حزب توده ایران پیوست و هنر و ادبش را در راه پیشبرد امر مبارزه زحمتکشان میهن ما به کار گرفت. کسرایبی در فردای پیروزی انقلاب بهمین در تجدید عهدی دوباره با زحمتکشان و کارگران به استقبالشان شتافت و نوشت: «می آید!

از فراز خیزبایه های خون ...
می آید!
پیمان کرده
پیوند زده
پیکار کرده و پیروزی آورده ... »

و دیری نباید که امید پیروزی و آزادی در میهن ما در بندهای استبداد اسیر شد و کسرایبی برای نخستین بار به جلالی وطن مجبور گشت و در اندوه انقلاب شکست خورده خلق نوشت: وطن من خسته است

وطنم آزاده است ...

وطنم دارد در زندان می میرد ...

وطنم را دارد تاریکی می گیرد. «

کسرایبی در مهاجرت، در نخستین کنفرانس ملی حزب توده ایران، در سال ۱۳۶۵، به عضویت در کمیته مرکزی و هیأت سیاسی کمیته مرکزی حزب توده ایران برگزیده شد و تا فروردین سال ۱۳۶۹ در رهبری حزب توده ایران بود.

کسرایبی سال ها پیش، در یکی از زیباترین شعرهایش، دوران پرامید و خالی از زنجیر های استبداد را به تصویر کشید و به نسل های بعد نوید آن را چنین می داد:

« پس از من شاعری آید
که رنگی تازه دارد رنگدان او

زدايد صورت خاکستر از کانون آتش های گرم خاطر فردا
زند بر نقش خونین ستم
رنگ فراوشی ...

پس از من شاعری آید

که من لب های او را در دهان شعرهای خویش می بوسم

اگرچه او نخواهد ریخت اشکی بر مزار من

من او را در میان اشک و خون خلق می جویم

و من او را درون یک سرود فتح خواهم ساخت. «

ما این ضایعه بزرگ را به بازماندگان، و همه دوستان کسرایبی و تمامی نیروهای مترقی کشورمان تسلیت می گویم. یادش گرمی باد!



اعتصاب های وسیع کارگری در اوکراین

صدها هزار کارگر معادن دولتی زغال سنگ در ۱۲ بهمن ماه در اعتراض به کوتاهی دولت در پرداخت شش ماه حقوق آنان دست از کار کشیدند. رهبران اتحادیه معدنچیان گفتند که کارگران ۱۰۶ معدن از ۲۵۴ معدن زغال سنگ اعتصاب نامحدودی را آغاز کرده اند. به طور همزمان معدنچیان در ۱۰۷ معدن دیگر از تحویل زغال سنگ به مشتریان منجمه صنایع فولاد جلوگیری کردند. مقامات دولتی مسؤول متالورژی انتقاد کرده اند که اعتصاب به فلج شدن صنعت فولاد که بزرگ ترین صادر کننده کشور و از عمده ترین منابع ارز خارجی می باشد، منجر خواهد شد. دولت شرکت های متالورژیک را در بوجود آوردن وضعی که منجر به اعتصاب شده است مقصر دانسته و مدعی شد که عدم پرداخت بهای زغال سنگ تحویلی به آنها باعث به وجود آمدن وضعیت فعلی شده است. تلویزیون اوکراین گزارش داده است که دولت تاکنون ۱۱ تریلیون کاربوواتسی برای پرداخت حقوق های عقب مانده معدنچیان اختصاص داده است. معدنچیان معتقدند که حقوق عقب مانده آنان بالغ بر ۳۰ تریلیون کاربوواتسی می باشد.

نیم میلیون معدنچی روسی در اعتصاب

در یکی از بزرگ ترین اعتصابات سال های اخیر ۴۵۰,۰۰۰ نفر از کارگران معادن زغال سنگ روسیه از ۱۲ بهمن ماه در اعتراض به عدم پرداخت حقوقشان و نیز کوتاهی دولت در سرمایه گذاری صنعت زغال سنگ دست از کار کشیدند. به گزارش خبرگزاری ها کارگران در ۱۷۰ معدن از ۲۴۵ معدن زغال سنگ روسیه برای سه روز از تولید زغال سنگ جلوگیری کردند. ۱۲ بهمن ماه ۷۰۰۰ نفر از ساکنان شهر ورکوفا در تظاهراتی به پشتیبانی از معدنچیان خواستار استعفای دولت شدند که نتوانسته حقوق معدنچیان را بپردازد. الکساندر لیوشینز، مشاور اقتصادی رئیس جمهور گفت که دولت ۶۰۰ میلیارد روبل از مبلغی را که بابت حقوق عقب مانده بدهکار بوده است پرداخت کرده است. در ۱۴ بهمن ماه دولت یلتسین با قبول عمده خواست های معدنچیان اعتصابی از آنها خواست که به سر کار خود بازگردند. دولت قبول کرده است که ۲۰۰ میلیون دلار حقوق عقب مانده معدنچیان را پرداخت کند و تا میزان ۲ میلیارد دلار در صنعت زغال سنگ سرمایه گذاری کند. توافق سریع دولت یلتسین با اعتصابیون حاکی از موضع ضعیف آنان در مقابل جنبش کارگری و

پارلمان می باشد که اکنون در عمل زیر کنترل نیروهای اپوزیسیون به رهبری حزب کمونیست می باشد. یلتسین که تنها راه جلوگیری از پیروزی کمونیست ها را در انتخابات ریاست جمهوری خرداد ماه کاندیداتوری خودش و تغییر برخی از سیاست های ضد مردمی خود در نابودی صنعت و واگذار نمودن آن به بخش خصوصی می داند، تغییراتی را هم در کابینه دولت و هم در سیاست های اقتصادی، اجتماعی به وجود آورده است.

* با نزدیک تر شدن موعد اعلام کاندیداهای ریاست جمهوری از سوی نیروهای مختلف برای شرکت در انتخابات خرداد ماه همه نظرها به سوی کنادای زیوکائف، صدر حزب کمونیست فدراسیون روسیه متوجه شده است. با توجه به پیروزی خیره کننده حزب کمونیست در انتخابات دوما در آذرماه، همه مفسران سیاسی شانس زیوکائف برای پیروزی در انتخابات ریاست جمهوری را از همه کاندیداهای دیگر و از جمله یلتسین بیشتر می دانند. گرچه حزب کمونیست فدراسیون روسیه هنوز به طور رسمی اعلام نکرده است که زیوکائف کاندیدای ریاست جمهوری می باشد، احزاب کارگری، کمونیست و چپ روسیه بیش از پیش حمایت خود را از کاندیداتوری او اعلام می کنند. به گزارش تلویزیون روسیه، اولگ شنین، صدر اتحادیه احزاب کمونیست، حزب کمونیست اتحاد شوروی حمایت خود را از کاندیداتوری زیوکائف اعلام کرد. قبل از این حزب کمونیست کارگری روسیه که در انتخابات نزدیک به ۵٪ آراء را بخود اختصاص داد اعلام کرده بود که در انتخابات ریاست جمهوری به زیوکائف رای خواهد داد. اهمیت اعلام تصمیم شنین و دیگر احزاب کمونیست اینست که احتمال مطرح شدن کاندیدای چپ دیگر برای ریاست جمهوری و تقسیم آرای چپ را غیر محتمل می کند. شنین تخمین می زند که تعداد نیروهایی که به کمونیست ها و نیروهای میهنی رای می دهند حدود ۲۵ میلیون نفر می باشد که در صورت اتحاد همه آنها برای پیروزی زیوکائف در مرحله اول کافی خواهد بود.

آخرین اخبار در رابطه با انتخابات ریاست جمهوری روسیه حاکیست که بیش از ۴۰۰ نفر دانشمند دارای سمت کبری سوسیالیستی به نمایندگی از ۴۳ منطقه روسیه در کنفرانس علمی-عملی «دست آوردها و نتایج انتخابات دومای دولتی، استراتژی و تاکتیک نیروهای چپ در انتخابات ریاست جمهوری» شرکت کردند.

شرکت کنندگان کنفرانس علمی این مسأله مهم و مبرم برای روسیه را مورد بررسی عمیق و همه جانبه قرار داده، توصیه هایی برای احزاب و جنبش های کمونیستی، چپ، دارای سمت کبری سوسیالیستی، مردمی و میهن دوست به عمل آوردند. شرکت کنندگان کنفرانس متفقاً کنادای آندریویچ زیوکائف را از طرف نیروهای چپ برای احراز مقام ریاست جمهوری آینده روسیه کاندید کردند.

مبارزه مردم بحرین ادامه دارد

ناآرامی های سیاسی- اجتماعی که در ۱۵ ماه گذشته به شکل تظاهرات و برخورد خشن مردم با نیروهای انتظامی و امنیتی حیات این کشور را تحت تاثیر گذاشته است در هفته های گذشته بشدت

عمیق تر و وسیع تر شد و احتمال می رود که بحرین را در بحران همه جانبه ای فرو ببرد.

مقامات حکومتی بحرین با دستگیر کردن حدود ۶۰۰ نفر از مخالفین در طول ماه گذشته از جمله دستگیری روحانی شیعه شیخ عبدالامیر الجمری و هفت تن از رهبران جنبش مخالف با متهم کردن جمعیت شیعه کشور به پیروی و خط گرفتن از ایران، عملاً سعی در پوشاندن ریشه های اجتماعی و اقتصادی تحولات کنونی داشته اند. بحرین و ایران در پی تشدید این تحولات دست به اخراج دیپلمات های یکدیگر زدند.

حقیقت اینست که هرچند دو سوم مردم بحرین شیعه، و حکومت استبدادی در کنترل خانواده الخلیفه که سنی است، می باشد. جنبه مذهبی تظاهرات بسیار ناچیز است و در حقیقت شیعه ها و سنی ها در کنار هم علیه دولت قیام کرده اند. مردم بحرین خواستار اصلاحات اقتصادی و سیاسی منجمه بازگشایی پارلمان این کشور هستند که در ۲۰ سال گذشته تعطیل بوده است. خانواده الخلیفه تمامی ثروت کشور را از طریق کنترل بر تمامی محورهای اقتصادی و تجاری کشور به غارت می برد. از ۱۸ پست کابینه، هشت پست اصلی که در رابطه با اقتصاد می باشد در اختیار اعضای خانواده الخلیفه می باشد. اخیراً ۳۰۰ تن از تجار و شخصیت های روشنفکر شیعه و سنی با امضای طوماری خواستار اصلاحات اقتصادی و بازگشایی پارلمان شدند. ۹۲ تن از امضا کنندگان طومار، کارمند دولت هستند. دولت آنها را مجبور کرد که به طور کتبی امضاء خود را پس بگیرند. ۳ تن از آنان که از این امر خودداری کردند از کار اخراج شدند. این امر اقبال میانی را هم علیه دولت شورانده است و عملاً حاکمیت بحرین را در وضعیت بسیار دشوار و منزوی قرار داده است.

یورش نیروهای دست راستی در بلغارستان

نیروهای دست راستی کارزار جدید و سنگینی را علیه حزب سوسیالیست بلغارستان که کنترل دولت را در دست دارد شروع کرده اند. رئیس جمهور دست راستی بلغارستان، ژلیوولف، در ۱۰ بهمن به سختی به ژان ویدانوف، نخست وزیر و همچنین حزب سوسیالیست بلغارستان حمله کرد. به گزارش رسانه های خبری بلغارستان، او مدعی شد که «بلغارستان نیازمند یک دولت جدید و دموکراتیک است» به خاطر اینکه دولت حزب سوسیالیست «به وضوح برای بلغارستان و منافع و امنیت ملی آن خطرناک شده است». او کابینه دولت را متهم کرد که به شیوه های حکومتی زورمدارانه باز می گردد و جنایت و فساد را تحمل می کند. او مدعی گشت: «شما نمی توانید هنگامی که خودتان فاسد هستید و یا به شکلی به فساد آلوده هستید علیه آن مبارزه کنید». ژلف در اساس از اینکه دولت حزب سوسیالیست از اتخاذ سیاست های افراطی طرفداری از بازار آزاد طفره می رود و همچنین خواستار پیوستن به پیمان ناتو نیست، شدیداً ناخوشنود است. او دولت را مورد انتقاد قرار داد که همسایگان بلغارستان را رنجانیده و همچنین پیوستن به ناتو را رد کرده است.

انقلاب یا ضدانقلاب: آینده به کدامیک تعلق دارد؟

میانگین دو پیوسته

مثبتی، هیچ مقدار از سوسیال دموکراسی نمی توانست کارساز باشد.

نیروهای سوسیال دموکرات در روسیه، که پیروزی لهستان را نشانه پیروزی سوسیال دموکراسی و طرد ایدئولوژی مارکسیسم - لنینیسم قلمداد می کنند، درخت ها را می بینند اما از دیدن چنگل عاجزند. علاوه بر این، برخورد گمراه کننده آنها به این پیروزی ریشه های ذهنی عمیق دارد: آنها نه تنها می گویند نقش خیانت آمیز خود را در تخریب سوسیالیسم و هموار کردن راه برای ضد انقلاب از دیدها پنهان کنند، بلکه در صدد اند تا روی آوری مردم به چپ و سوسیالیسم در روسیه را به مجرای سوسیال دموکراسی و رفرمیسم بکشانند. هفت دهه تاریخ اکتبر از طرف سوسیال دموکرات ها و ضدانقلابیون «دموکرات» با عنوانی مانند «کودتا»، «تراژدی» روسیه، به باد ناسزا گرفته شد و یا به عنوان «تجربه شکست خورده» مورد تمسخر قرار گرفت. اما هیچ انقلابی مانند انقلاب اکتبر بر تاریخ روسیه و جهان چنین تأثیر عمیقی نداشته است. الکساندر زینوویف، فیلسوف، به درستی سالهای شوروی را بهترین سالهای روسیه و جهان ارزیابی کرده است. سوسیالیسم، طی هفت دهه حاکمیت خود در شوروی، با اشکال گوناگون ضد انقلاب - از جنگ داخلی گارد سفید و مداخلات سرمایه داری بین المللی گرفته تا اشغال نظامی توسط نیروی های ضدکمونیست متحدین تحت رهبری آلمان هیتلری و غیره - مقابله کرد و آنها را شکست داد. ولی نتوانست در شکست دادن ضدانقلاب داخلی موفق باشد. جنبش کمونیستی هنوز باید علل این عدم موفقیت را به طور همه جانبه مورد بررسی قرار دهد. و در این میان، مایلیم بر نقش موزیانه ای که سوسیال دموکراسی بازی کرد تأکید کنیم.

از نظر تاریخی، همیشه دو راه پیشرفت در برابر بشریت وجود داشته است: راه «رفرمیستی» و راه انقلابی. با وجود این که انقلاب اکتبر جهان را به شکلی بنیادین دگرگون ساخت، اما نگاهی به وقایع بعدی نشان می دهد که مسأله کلیدی انتخاب میان راه «رفرمیستی» و راه انقلابی را هنوز به طور کامل حل نکرده بود. و این مسأله بار دیگر به صورت تراژدی قرن بیستم، یعنی ضدانقلاب در اتحاد جماهیر شوروی، ظاهر شد.

نکته ای که کمونیست ها موفق به درک آن نشدند تفاوت میان نقش سوسیال دموکراسی در غرب و در اتحاد شوروی بود. در غرب، نقش سوسیال دموکراسی جلوگیری از انقلاب

این سؤالی است که برای درک عمیق تر از مسیری که روسیه به سمت آن حرکت می کند باید به آن پاسخ گفت. و برای این کار دیدگاه محدود پراگماتیسم، که امروز در میان نیروهای چپ و مخالف «دموکراتیک» محبوبیت زیادی پیدا کرده است، کافی نیست. برای دستیابی به پاسخ صحیح، داشتن برخوردی دیالکتیکی نه التقاطی، برخوردی مارکسیست - لنینیستی نه سوسیال دموکراتیک، حیاتی است.

انقلاب اکتبر را نمی توان فقط به سال های پر تب و تاب ۲۰-۱۹۱۷ محدود کرد. شاید یکی از اشتباهات عمده کمونیست ها نیز دقیقاً همین نگرش محدود آنها به انقلاب اکتبر بوده است. تاریخ انقلاب اکتبر تنها یک تاریخ هفتادساله جهانی نیست. این تاریخ، علی رغم منحرف شدن به دست ضدانقلاب، همچنان مهر خود را بر همه چیز می زند و در حقیقت ریشه اصلی موج خیزنده و نیرومند گردش به چپی است که امروز در روسیه، در کشورهای سوسیالیستی سابق اروپای شرقی، و از همه خیره کننده تر، در شکست اخیر ضدانقلابی بزرگ لغ والنسا در لهستان مشاهده می کنیم. جدا از تفاوت های بزرگی که میان این گردش به چپ در روسیه و در لهستان وجود دارد، هر دو آنها از ریشه های عمیقی که سوسیالیسم در این کشورها - البته بیشتر در روسیه تا لهستان - دوانده است نشأت می گیرند.

اگر الکساندر کواستفسکی کوشید تا نقش انقلاب اکتبر را در این پیروزی کم ارزش جلوه دهد و بر ضرورت برخورد پراگماتیستی به آینده لهستان پافشاری کند، در مقابل، لغ والنسا و کلیسای کاتولیک همه کوشش خود را به کار بردند تا مردم لهستان را از خیزش مجدد شیخ کمونیسم بترسانند. اما، همانطور که آراء مردم نشان داد، آنها از این مسأله هیچ وحشتی نداشتند. چرا؟ چون علی رغم وجود برخی اشتباهات جدی و حتی بعضی اعمال خلاف، سالهای حاکمیت سوسیالیسم در لهستان (مانند روسیه) برای مردم بیشتر حاوی خاطرات مثبت بود تا خاطرات منفی. اگر چنین نبود، به جای کواستفسکی، والنسا برنده می شد.

این است دلیل واقعی پیروزی، جدا از این که کواستفسکی و حزب سوسیال دموکرات او تا چه حد به آن از دید پراگماتیستی بنگرند. آنچه در این پیروزی نقش اساسی داشت، نه سقوط او و همراهانش از کمونیسم به سوسیال دموکراسی، بلکه همان ارزیابی مثبت مردم از سالهای حاکمیت سوسیالیسم بود. در غیاب یک چنین ارزیابی

سوسیالیستی و اجرای «رفرم» در نظام سرمایه داری بود. در حالی که در شوروی، سوسیال دموکراسی نقش ویران کردن سوسیالیسم و «احیای» سرمایه داری را بر عهده داشت.

یکی از بزرگترین اشتباهات حزب کمونیست شوروی، کم بها دادن به نفوذ روزافزون سوسیال دموکراسی در صفوف خود بود. حزب موفق به درک این نکته نشد که مشکلات عظیم فراروی کار ساختمان سوسیالیسم و گام برداشتن در راه آزمون نشده تکوین جامعه ای نوین در جامعه عقب مانده روسیه تزاری؛ انحرافات تراژیک به وجود آمده در سوسیالیسم طی سالهای خفقان استالین؛ خسارات عظیم ناشی از تعرض نظامی نازیسم؛ عدم موفقیت در ایجاد پیوند میان دستاوردهای سوسیالیسم و انقلاب علمی - فنی، که به گسترش فاصله میان شرق و غرب انجامید؛ عواملی هستند که زمینه را برای تقویت هرچه بیشتر سوسیال دموکراسی آماده می کنند. ایدئولوژی سوسیال دموکراسی از رفرم های اجتماعی انجام شده توسط سوسیال دموکرات ها، به ویژه در کشورهای اسکاندیناوی، تغذیه می شد - رفرم هایی که بیش از هرچیز به خاطر وجود اتحاد شوروی امکان پذیر شده بودند.

همه این عوامل زمینه مساعد را برای ظهور مجدد سوسیال دموکراسی در شوروی فراهم کرد. و چون حزب کمونیست تنها حزب موجود بود، سوسیال دموکراسی در درون خود حزب ریشه دواند و تا بالاترین رده های حزبی را آلوده کرد. در وجود گاریباچف، دبیر اول حزب، سوسیال دموکراسی برای اولین بار توانست جایگاه مسلطی را در حزب اشغال کند. کار ایدئولوژیک سوسیال دموکراسی توسط الکساندر یاکوولف، ایدئولوگ اصلی این جریان، هدایت می شد. سوسیال دموکراسی، دموکراسی «ناب و بی طبقه» کارل کائوتسکی را جانشین مفهوم طبقاتی دموکراسی لنین کرد و بدین طریق درها را به روی کمونیسم ستیزی و ناسیونالیسم هاری که حزب کمونیست و اتحاد شوروی را به ویرانی کشاند باز نمود.

سوسیال دموکراسی در رهبری حزب کمونیست شوروی، کمونیسم ستیزی را در درون حزب پرورش داد و به آن امکان داد تا ذهن مردم ادامه در ص ۶

حساب بانکی ما:

نام IRAN e.V.

شماره حساب 790020580

کد بانک 10050000

بانک Berliner Sparkasse

NAMEH MARDOM: No:473
Central Organ of the Tudeh Party of Iran

1- Postfach 100644 , 10566 Berlin, Germany
2- B.M.Box 1686, London WC1N 3XX, UK

13 February 1996

شماره فاکس و تلفن خبری ما

۰۰ - ۴۹ - ۳۰ - ۳۲۴۱۶۲۷

